

امام صادق(ع)؛

برتری نماز اول وقت نسبت به آخر وقت، مانند برتری آخرت است نسبت به دنیا.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیرعامل: رضا شکیبایی

سر‌دبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۴

تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲

نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷

پایمرس‌ان: @vatanimrooz

پست الکترونیکی: info@vatanimrooz.ir

چاپ:ایران کهن

جنگ علیه روسیه و ایران هزینه حمل‌ونقل را در قاره سبز افزایش داد

گازوئیل ۲۱۰ دلاری در سفره اروپایی‌ها



گروه اقتصادی: طی هفته‌های اخیر انتقال بحران انرژی از نفت و پالایشگاه به گازوئیل در کشورهای غربی حسایی سر و صدا به پا کرده است. این بحران ابتدا در آمریکا چالش‌برانگیز شد اما حالا به اروپا رسیده است. گازوئیل معمولاً تیتراول بازار انرژی نیست و این بهای نفت خام و بنزین است که خبرساز می‌شود اما وقتی عرضه گازوئیل کم شود، اثر آن آرام و پیوسته از جاده به فروشگاه و از فروشگاه به سفره می‌رسد و اکنون اروپا با همین مساله روبه‌رو است؛ بحرانی که از ۲ سوی مهم بازار انرژی تغذیه می‌شود. آسیب دیدن شبکه پالایشی روسیه در جنگ اوکراین و اختلال در تولید، پالایش و تجارت انرژی در خلیج فارس و تنگه هرمز. اهمیت ماجرا در این است که بازار جهانی با کمبود یک ماده خام ساده روبه‌رو نیست. نفت می‌تواند از تولیدکننده‌ای به تولیدکننده دیگر جابه‌جا شود، ذخایر اضطراری می‌تواند برای مدتی به کار آید و مسیرهای دریایی تازه‌ای پیدا شود اما گازوئیل محصول یک فرآیند صنعتی است. نفت مناسب باید به پالایشگاه برسد، واحدهای پیچیده پالایشی فعال بمانند، محصول با کیفیت لازم تولید شود و سپس از مسیر امن به مصرف‌کننده برسد. هر حلقه‌ای که از کار بیفتد، بازگرداندنش به زمان نیاز دارد. همین تفاوت، بحران کنونی را برای اروپا عمیق‌تر کرده است.

■ **چرا ارزان شدن نفت، درد گازوئیل را دو نما کند؟**

در نگاه اول ممکن است گفته شود اگر قیمت نفت پایین بیاید، فشار سوخت نیز باید کم شود. بازار اما خلاف این برداشت را نشان می‌دهد. در یکی دو روز اخیر نفت برنت به زیر ۱۰۰ دلار برگشته و به حدود ۹۸ دلار در هر بشکه رسیده است. با این حال، تحلیلگران هشدار می‌دهند کمبود گازوئیل پابرجاست و کاهش قیمت نفت تا زمانی که جریان فرآورده‌های پالایشی احیا نشود، الزاماً به آرامش بازار سوخت نمی‌انجامد.

آژانس بین‌المللی انرژی در گزارش اخیر خود بر همین شکاف دست گذاشته است. پالایشگاه‌های جهان در ماه گذشته روزانه ۸۱٫۴ میلیون بشکه نفت را فرآورش کردند؛ رقمی که با وجود رشد ماهانه، نسبت به همین بازه زمانی در سال قبل ۴٫۲ میلیون بشکه در روز کمتر بود. این نهاد پیش‌بینی می‌کند متوسط پالایش جهانی در سال ۲۰۲۶ به ۸۱٫۵ میلیون بشکه در روز برسد؛ حدود ۲٫۶ میلیون بشکه کمتر از سال ۲۰۲۵. کاهش قابلیت پالایشگاه‌ها در غرب آسیا و روسیه، در کنار محدودیت خوراک برخی واحدهای آسیایی سبب شده کارخانه‌های سالم در آمریکا، آسیا و اروپا نتوانند همه کسری را جبران کنند.

پالایشگاه‌ها شبیه نانواپی نیست که با افزودن یک شیف، هر مقدار نان بیشتری تولید کند. ترکیب خروجی آن محدودیت فنی دارد. اگر پالایشگر برای پاسخ به کمبود سوخت هواپیما سهم بیشتری از برش‌های میانی را به سوخت جت اختصاص دهد، ممکن است تولید گازوئیل تحت فشار قرار گیرد. تعمیر یک واحد تقطیر یا هیدروکراک آسیب‌دیده نیز به قطعه، مهندس، زمان و سرمایه نیاز دارد. بنابراین بازگشت چند میلیون بشکه ظرفیت از دست‌رفته، با باز کردن یک شیر یا تغییر مسیر یک کشتی ممکن نیست.

■ **ضربه همزمان**

بخش مهمی از تجارت جهانی گازوئیل پیش از بحران بر ۲ پایه خلیج فارس و روسیه استوار بود. برآوردهای منتشرشده بر پایه داده‌های کپلر نشان می‌دهد منطقه خلیج فارس در سال ۲۰۲۵ حدود ۱٫۵ میلیون بشکه در روز گازوئیل صادر می‌کرد و روسیه نیز بیش از ۸۰۰ هزار بشکه در روز صادرات داشت. پیش از تشدید درگیری‌ها، این دو مبدأ در مجموع نزدیک ۴۵ درصد تجارت دریایی گازوئیل جهان را تأمین می‌کردند. در ماه گذشته، صادرات خالص گازوئیل روسیه و خلیج فارس حدود ۱٫۶ میلیون بشکه در روز کمتر از قبل جنگ بود.

ضربه نخست در خلیج فارس وارد شد. آسیب به برخی تأسیسات، کاهش خوراک پالایشگاه‌ها و دشوار شدن رفت‌وآمد دریایی، میزان صادرات فرآورده را پایین آورد.

تازه‌ترین برآوردها نشان می‌دهد صادرات گازوئیل خاورمیانه از ابتدای جنگ تا ماه گذشته به بیش از نصف کاهش یافته است. این افت برای اروپا اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا بخش قابل توجهی از جایگزینی منابع روسی در سال‌های اخیر بر واردات از خاورمیانه، هند، آمریکا و صادرکنندگان دورتر استوار شده بود. وقتی یکی از این ستون‌ها سست شد، مسیر جایگزین آماده و ارزان چندانی وجود نداشت.

ضربه دوم از روسیه آمد. حملات پهنپیدی بی‌دریی به پالایشگاه‌ها روسیه، تولید را کاهش داد و مسکو برای حفظ عرضه داخلی، صادرات گازوئیل را محدود کرد. هفته گذشته نیمی از ۶ پالایشگاه بزرگ تولیدکننده گازوئیل روسیه یا با نرخ پایین‌تر کار می‌کردند یا بخشی از عملیات‌شان متوقف بود. تازه‌ترین نمونه، پالایشگاه مسکو است که پس از حمله چند روز پیش، فرآورش نفت را متوقف کرد. ۲ واحد اصلی آن آسیب دیدند و منابع صنعتی زمان تعمیر را چند هفته برآورد کرده‌اند.

■ **گازوئیل ۲۱۰ دلاری**

اروپا این بار با کمبود سوختی روبه‌رو است که در تار و پود اقتصادش حضور دارد. گازوئیل سوخت اصلی بخش بزرگی از حمل‌ونقل باری جاده‌ای، ماشین‌آلات کشاورزی، ساخت‌وساز و تجهیزات صنعتی است و هنوز در ناوگان سواری این قاره نیز مصرف بالایی دارد. وقتی قیمت آن بالا می‌رود، اثرش به قبض سوخت یک راننده محدود نمی‌ماند؛ کرایه حمل، هزینه تولید مواد غذایی، قیمت مصالح، هزینه معدن و توزیع کالا بالا می‌رود. تورم از پمپ سوخت حرکت می‌کند و با فاصله زمانی نه‌چندان زیاد، وارد قفسه فروشگاه می‌شود.

رقم قراردادهای گازوئیل اروپا در روزهای اخیر به محدوده ۲۱۰ دلار در هر بشکه رسیده؛ سطحی رکوردشکن. فشار کنونی حاصل انباشته شدن چند عامل است: اختلال در عرضه خاورمیانه، عقب‌نشینی روسیه از بازار صادراتی اروپا، تعمیرات پالایشگاهی، افزایش هزینه حمل دریایی و پشیمانی می‌کنند. مجموعه این دلایل و عوامل باعث شده بسیاری از کارشناسان تصریح کنند تلاش ترامپ برای تحریک جامعه آمریکا نسبت به ادعای دخالت ایران در انتخابات کنگره و ترغیب آنها به رأی دادن به کاندیداهای حزب جمهوری خواه بی‌فایده است. ۴- ترامپ در سخنرانی خود در سازمان ملل تلاش کرد اینگونه وانمود کند که نتایج انتخابات تأثیری بر تصمیمات او در قبال ایران ندارد و با این ادعا تلویحا ایران را تهدید کرد پس از این انتخابات، سیاست‌های رادیکالی در قبال ایران اتخاذ خواهد کرد. این ادعا و سپس تهدید ترامپ، با واقعیت‌های موجود همخوانی ندارد، چرا که:

اول- ترامپ می‌گوید او در انتخابات کنگره کاندیدا نیست و اینگونه می‌خواهد وانمود کند نتایج این انتخابات تأثیری بر موقعیت او در فضای سیاسی آمریکا ندارد. این یک ادعای مضحک است، زیرا در وهله نخست، شخصیت‌شناسی ترامپ نشان می‌دهد او همواره نسبت به موضوعاتی که ذهن او را درگیر کرده اظهارنظر می‌کند. کاملاً پیداست انتخابات کنگره و نتایج آن، باعث نگرانی شدید وی شده است. واشنگتن‌پست اخیراً در گزارشی فاش کرد گزارشات مربوط به نتایج نظرسنجی‌ها و پیش‌بینی‌های مربوط به نتایج انتخابات کنگره، باعث افزایش نگرانی ترامپ شده و به عنوان نمونه، او از مشاوران و دستیارانش خواسته روزانه گزارشات مربوط به موقعیت کاندیداهای حزب جمهوری‌خواه در این انتخابات را به او بدهند. بنابراین تلاش ترامپ برای اینکه وانمود کند نتیجه انتخابات برای او اهمیت چندانی ندارد، به‌وضوح

و پایین آمدن موجودی انبارها. فشار مشابهی در سوخت جت هم دیده می‌شود. اختلال عرضه خاورمیانه، نزدیک یک‌چهارم نیاز وارداتی اروپا به گازوئیل و سوخت جت را تحت تأثیر قرار داده و موجودی برخی فرآورده‌ها در مراکز مهم اروپایی به پایین‌ترین سطح چندین سال اخیر رسیده است.

هر چند قیمت فعلی گازوئیل هنوز از برخی اوج‌های تاریخی ۲۰۰۸ و ۲۰۲۲ پایین‌تر است اما تفاوت این دوره در منشأ بحران نهفته است. بخشی از جهش‌های گذشته از ترس کمبود آینده ناشی می‌شد اما امروز قسمت مهمی از ظرفیت پالایشی واقعا از مدار خارج شده و ذخایر نیز تحلیل رفته است. همین موضوع زمان درمان را طولانی‌تر می‌کند. آسیب‌پذیری اروپا ریشه ساختاری نیز دارد. بر اساس داده‌های یورواسات، اتحادیه اروپایی به سال ۲۰۲۴ حدود ۵۷ درصد نیاز انرژی خود را از طریق واردات خالص تأمین می‌کرد و نفت و فرآورده‌های نفتی ۶۷ درصد واردات انرژی آن را تشکیل می‌داد. این وابستگی به خودی خود به معنای بحران نیست، اقتصادهای بزرگ سال‌هاست با تجارت انرژی زندگی می‌کنند، مشکل زمانی پدیدار می‌شود که چند مبدأ مهم همزمان دچار اختلال شوند و ظرفیت پالایش آزاد در جهان هم پایین باشد. آن وقت بازار به میدان مسابقه بر سر محموله‌های محدود تبدیل می‌شود.

■ **آسیب‌ها چگونه خلأ بازار را پر می‌کنند؟**

قیمت بالا یک پیام روشن برای پالایشگاه سالم دارد: تا حد ممکن تولید کن! پالایشگران آسیایی همین کار را کرده‌اند. حاشیه پالایش گازوئیل کم‌هسولفور در آسیا در هفته گذشته از ۸۷ دلار در هر بشکه عبور کرد، در حالی که پیش از جنگ حدود ۲۲ دلار بود. چنین اختلافی، پالایشگاه را به افزایش خوراک و صادرات تشویق می‌کند و محموله‌هایی را که پیش‌تر در بازارهای نزدیک مصرف می‌شدند، به سفرهای دورتر می‌فرستد.

استیصال جنایتکار

نشان می‌دهد اتفاقاً نسبت به این ماجرا بسیار نگران است. جدا از تحلیل شخصیتی این موضع ترامپ، این یک واقعیت بدیهی و طبیعی است که نتایج انتخابات کنگره، بویژه انتخابات سنا، رابطه مستقیم با موقعیت سیاسی و اجتماعی ترامپ در آمریکا دارد. وی یک تجربه تلخ از این ماجرا دارد. به اعتقاد کارشناسان، نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۸، عامل اصلی شکست ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ بود. در آن مقطع، اگرچه حزب جمهوری‌خواه توانست اکثریت سنا را حفظ کند اما دموکرات‌ها توانستند اکثریت مجلس نمایندگان را از آن خود کنند. همین تغییر ترکیب کنگره باعث شد دست مخالفان ترامپ برای تضعیف و مهار او بازتر شود. کم‌اینکه در آن زمان، نه‌تنها موضوع استیضاح ترامپ در دستور کار دموکرات‌ها قرار گرفت، بلکه مخالفان ترامپ از نفوذ خود در برخی ایالتها استفاده کردند و پرونده‌های متعددی علیه وی به جریان انداختند. همین سلسله تقابل‌ها در نهایت باعث شد ترامپ انتخابات ۲۰۲۰ را به جو بایدن ببازد. به عبارتی ترامپ انتخابات را به کسی باخت که او را جو نشان می‌دهد او همواره نسبت به موضوعاتی که ذهن او را درگیر کرده اظهارنظر می‌کند. کاملاً پیداست انتخابات کنگره و نتایج آن، باعث نگرانی شدید وی شده است. واشنگتن‌پست اخیراً در گزارشی فاش کرد گزارشات مربوط به نتایج نظرسنجی‌ها و پیش‌بینی‌های مربوط به نتایج انتخابات کنگره، باعث افزایش نگرانی ترامپ شده و به عنوان نمونه، او از مشاوران و دستیارانش خواسته روزانه گزارشات مربوط به موقعیت کاندیداهای حزب جمهوری‌خواه در این انتخابات را به او بدهند. بنابراین تلاش ترامپ برای اینکه وانمود کند نتیجه انتخابات برای او اهمیت چندانی ندارد، به‌وضوح

چین یکی از بازیگران مهم این مرحله است. صادرات گازوئیل این کشور در ماه گذشته با رشد ۴۲٫۱ درصدی نسبت به سال قبل به ۱٫۲۳ میلیون تن رسید و بالاترین مقدار از مارس ۲۰۲۴ را ثبت کرد. صادرات کل فرآورده‌های پالایشی چین نیز ۱۲٫۷ درصد رشد سالانه داشت. این افزایش برای بازار جهانی حکم یک سوپای اطمینان را دارد اما ظرفیت آن نامحدود نیست. پکن در ماه‌های پس از جنگ برای حفاظت از بازار داخلی، صادرات برخی فرآورده‌ها را محدود کرده بود و رفته رفته بخشی از محدودیت‌ها را کاهش داد. عرضه چین در نهایت تابع امنیت خوراک، سیاست داخلی، سهمیه‌های صادراتی و سود پالایش است. کشورهای دیگری نیز وارد میدان شده‌اند. پالایشگاه بزرگ دانگوت در نیجریه صادرات فرآورده به اروپا را افزایش داده و کره جنوبی محموله‌های بیشتری به بازار این قاره فرستاده است. کره جنوبی در ماه فعلی به یکی از تأمین‌کنندگان مهم سوخت جت اروپا تبدیل شد و پالایشگاه دانگوت نیز از کمبود عرضه برای توسعه فروش گازوئیل و سایر فرآورده‌ها استفاده کرد. با این همه، انتقال سوخت از شرق آسیا به غرب آفریقا به بنادر اروپایی هزینه حمل و زمان بیشتری می‌خواهد. بازار می‌تواند مسیرهای تازه بسازد ولی هر مسیر تازه، مقداری اصطکاک دارد و جمع‌شده اصطکاک‌ها قیمت نهایی را بالا نگه می‌دارد.

■ **شوک قیمتی تا کابوس سهمیه‌بندی**
آنچه بازار را نگران‌تر می‌کند، سطح ذخایر است. طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، ذخایر مشاهده‌شده نفت در جهان فقط در ماه گذشته ۹۵ میلیون بشکه کاهش یافت و مجموع افت ذخایر به ۵۰۷ میلیون بشکه رسید. ذخیره همان حاشیه امنی است که شوک را برای مدتی جذب می‌کند. وقتی این حاشیه باریک شود، خرابی یک پالایشگاه، بسته شدن یک مسیر کشتیرانی یا سرمای شدید می‌تواند اثر قیمتی بزرگ‌تری ایجاد کند.

این نگرانی با نزدیک شدن نیمکره شمالی به فصول سرد پررنگ‌تر می‌شود. گازوئیل و نفت گرمایی از یک خانواده‌اند و تقاضای زمستانی، به‌ویژه در بخش گرمایش و لجستیک، فشار بیشتری بر برش‌های میانی پالایشگاه وارد می‌کند. همزمان برخی واحدها برای تعمیرات دوره‌ای از مدار خارج می‌شوند. در آمریکا نیز با وجود فعالیت بسیار بالای پالایشگاه‌ها، ذخایر سوخت پایین‌تر از متوسط ۵ ساله فصلی گزارش شده است. بنابراین انتظار اینکه آمریکا هر کمبود اروپایی را با صادرات بیشتر جبران کند، خوش‌بینانه است. در این مرحله، مساله کم‌کم از «قیمت» به «تخصیص» نزدیک می‌شود. دولت‌ها ابتدا با کاهش مالیات یا کمک‌های مالی تلاش می‌کنند فشار را از مصرف‌کننده کم کنند. جمهوری چک برای مدیریت این مساله، کاهش موقت مالیات گازوئیل و محدودیت حاشیه سود فروشندگان را تصویب کرده است. فرانسه نیز پیشنهادهایی برای انعطاف موقت در استانداردهای سوخت و افزایش سهم زیست‌سوخت‌ها مطرح کرده تا تولید گازوئیل و نفت سفید افزایش یابد. این تدابیر ممکن است شدت شوک قیمتی را کم کند اما یک بشکه تازه به عرضه فیزیکی اضافه نمی‌کند. اگر کمبود ادامه یابد، پرسش سخت‌تر این خواهد بود که کدام بخش‌ها باید در اولویت دسترسی به سوخت قرار گیرند؟

■ **مالیات پنهان گازوئیل**

ویژگی مهم گازوئیل این است که تقاضای آن به آسانی کاهش نمی‌یابد. خنوار می‌تواند سفر تفریحی را عقب بیندازد اما فروشگاه باید کالا دریافت کند، کشاورز باید محصول را برداشت کند و کارخانه باید مواد اولیه بگیرد. کاهش واقعی مصرف گازوئیل معمولاً هنگامی رخ می‌دهد که فعالیت اقتصادی ضعیف شود. از همین رو، گرانی این سوخت می‌تواند هم تورم را بالا ببرد و هم به رشد اقتصادی فشار وارد کند؛ ترکیبی دشوار برای بانک‌های مرکزی و دولت‌ها.

اثر تورمی نیز با تأخیر ظاهر می‌شود؛ ابتدا شرکت حمل‌ونقل قبض بالاتری می‌پردازد، بعد قرارداد کرایه اصلاح می‌شود، سپس تولیدکننده و عمده‌فروش هزینه تازه را در قیمت می‌گنجاند و در پایان، مصرف‌کننده متوجه می‌شود کالایی که هیچ نفتی در ظاهرش دیده نمی‌شود، گران شده است. گازوئیل مثل نمک در غذاست؛ سهمش در هر قلم شاید کوچک باشد اما در سراسر زنجیره حضور دارد. برای اروپا این فشار با ضعف‌های دیگر بازار انرژی جمع می‌شود. ذخایر گاز طبیعی اتحادیه اروپایی در هفته گذشته حدود ۶۹ درصد پر گزارش شد، در حالی که میانگین ۵ ساله فصلی نزدیک ۸۵ درصد بود است. همچنین قیمت گازوئیل اروپا نسبت به سال قبل حدود ۲۸ درصد بالاتر اعلام شد. اگر گاز، برق و سوخت حمل‌ونقل همزمان گران بمانند، دولت‌ها میان حمایت از خانوار، حفظ توان رقابتی صنعت و کنترل کسری بودجه با انتخاب‌های دشواری روبه‌رو خواهند شد.

■ **جمع‌بندی**

بحران گازوئیل اروپا داستان یک قیمت عجیب روی تابلوی معاملات نیست؛ داستان صنعتی است که همزمان با ۲ قطب مهم عرضه ضربه خورده و اکنون جهان می‌کوشد در پالایشگاه‌های تحت فشار، محموله‌های دوردست و ذخایر رو به کاهش، جای خالی آن را پر کند. در حالی که روسیه با آسیب پالایشگاه‌ها و محدودیت صادرات روبه‌رو است و خلیج فارس با اختلال در تولید، پالایش و کشتیرانی دست‌وپنجه نرم می‌کند، اروپا به عنوان واردکننده بزرگ انرژی، هزینه این طهمانی را در حمل‌ونقل، کشاورزی، صنعت و قیمت کالاها می‌پردازد.

امکان فروکش کردن بخشی از فشار وجود دارد؛ بازگشت پایدار کشتیرانی در تنگه هرمز، ترمیم تأسیسات، افزایش تولید چین و سایر پالایشگران و کاهش درگیری‌های نظامی تنها راه آرام شدن بازار است اما بازسازی ظرفیت پالایشی بسیار کندتر از تغییر مسیر یک نفتکش پیش می‌رود، به همین علت ممکن است نفت خام زودتر آرام شود و گازوئیل برای مدتی گران بماند.

ایران برای از سرگیری جنگ پس از انتخابات کنگره، فاقد اعتبار است. کارشناسان معتقدند جنگ ۴۰ روزه، ماکزیم توان سیاسی ترامپ و حداکثر قدرت نظامی ممکن آمریکا علیه ایران بود. بر اساس افشاکری‌های اخیر، ارتش آمریکا اکنون درگیر بحران تامین تجهیزات و تسلیحات استراتژیک مانند موشک‌های سامانه‌های رهگیر موشکی است. از سوی دیگر، ترامپ پس از ماجرای ونزوئلا، جنگ علیه ایران را در یک موقعیت سیاسی مطلوب آغاز کرد. اکنون اما او نه موقعیت سیاسی قبل از ۱۴۰۴ را دارد و نه ارتش او قدرت قبیل از این جنگ را دارد. بنابراین تهدیدات نظامی ترامپ علیه ایران، در حداکثر حالت، باز هم در سطحی پایین‌تر از جنگ ۴۰ روزه است. از سویی دیگر، بدون تهدید، پس از انتخابات کنگره، موقعیت سیاسی ترامپ نسبت به شرایط فعلی ضعیف‌تر خواهد بود و قطعاً موقعیت سیاسی او پس از انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، به مراتب ضعیف‌تر از موقعیت سیاسی او قبل از آغاز جنگ علیه ایران است. دقیقاً به همین خاطر است که تهدیدات نظامی وی دیگر نمی‌تواند به عنوان یک اهرم سیاسی معتبر کارگر شود. رفتار و مواضع جمهوری اسلامی در قبال تهدیدات جنگی ترامپ نیز نشان می‌دهد ایران در عین آمادگی برای مواجهه با هر نوع تهدید نظامی احتمالی، به‌خوبی از ضعف بنیه نظامی و وضعیت آسیب‌پذیری نظامی، سیاسی و اقتصادی دولت آمریکا و شخص ترامپ مطلع است. مقاومت اصولی ایران بر سر شروط و خواسته‌هایش برای بازگشت به تفاهمنامه خاتمه جنگ نیز نشان‌دهنده هوشیاری و واقع‌بینی ایران است. ایران در کنار آگاهی نسبت به وضعیت نظامی و تسلیحاتی آمریکا به‌خوبی از موقعیت سیاسی ترامپ در آمریکا مطلع است.